

مدیر فردا

سردبیر

قرآن کریم، پس از توحید، معاد را به عنوان چشم انداز و هدف غایی انسان بیان می کند. همه ی بشر را به توحید فرا می خواند و به معاد مژده می دهد. مژده به آنانی که در زندگی دنیا دستورات الهی را رعایت و با صداقت و مهربانی زندگی می کنند، حرام خدا را حرام و حلال او را حلال می دانند، به واجبات عمل می کنند و از محرمات دوری می جویند، تقوای الهی پیش می گیرند و راه راست می پیمایند [طه / ۹-۱۶]. مدیر اسلامی به برپایی و اقامه ی نماز در سازمانش می اندیشد و آرمان و هدف نهایی اش رستخیز و معاد است. او امید دست یابی به منافع ناشی از سرمایه گذاری انسانی، مادی و معنوی علاوه بر نتایج کوتاه مدت، در آینده ی بسیار دور دارد، حتی پس از مرگ. در واقع و به معنی دقیق، او یک مدیر و رهبر آینده نگر و مدیری برای فرداست.

مدیر اسلامی به مثابه مدیر فردا، مدیری امیدوار است. او به کوچک ترین روزنه های امید دل می بندد و برای رسیدن به هدفش تلاش می کند. امیدواری او سبب می شود که موفقیت های زیادی نصیبش گردد و حتی امید کوچک او به امید بزرگ تبدیل شود. همان طور که موسی (ع) به امید شعله ی آتش رفت، اما با مقام نبوت و رسالت بازگشت [تفسیر نورالثقلین، ج ۳: ۳۷۳].

مدیر اسلامی به توحید و نماز معتقد است و به این که همیشه یاد خدا باشد اهمیت بسیار می دهد. به واسطه ی همین معنی، خداوند به او نفس مطمئنه می دهد و نفس مطمئنه، او را به مقام بندگان خاص و سرانجام به بهشت جاویدان می رساند. این امر، یعنی تلاش به امید آینده و فردایی بسیار دور که شاید حتی محصول و منافع آن در این دنیا نصیب او نمی گردد.

مدیر اسلامی امید به فرج دارد. می خواهد در مدینه ای حضور یابد که صاحب آن در آن جا ظهور می کند. به مقصدی امید می بندد که شاید از آن نتیجه ای در دنیا عایدش نگردد؛ اما باز هم تلاش می کند و امیدوار است. از این روی، مدیری فرایند اندیش و مأمور به تکلیف است. رفتن را دوست دارد و به رسیدن امیدوار است. او معتقد است که اگر عمرش به روز موعود وصال نداد، باکی نیست؛ چرا که زمینه ساز رسیدن دیگران به آن روز زیبا و به آن مدینه ی فاضله است. این نگرش می تواند تقویت شود. زینده است که مدیران جامعه ی ما به زیور این نگرش آراسته شوند تا بتوان رهبری آنان را از دیگر مدیریت ها متمایز کرد و به آنان مدیران اسلامی لقب داد.